

میرزا سید جعفر خان مشیرالدوله

یکی از بزرگان رجال دوره قاجاریه که از اواسط عهد سلطنت فتحعلیشاه تا اواسط سلطنت ناصرالدین شاه همواره در مشاغل مهمه دولتی ذی دخل بوده و از اولین تحصیل کردگان اروپا و ناشر يك قسمت از تمدن جدید در ایرانست مرحوم میرزا سید جعفر خان حسینی تبریزی است.

این مرد بزرگ پسر میرزا محمد تقی وزیر است که در تبریز در زبردست مرحوم میرزا بزرگ قائم مقام اول کار میکرده و پسرش یعنی میرزا سید جعفر مقدمات تحصیلات ادبی و عربی و بعضی از علوم جدید را در تبریز فرا گرفته بوده است.

در سال ۱۲۳۰ موقیکه عباس میرزا نایب السلطنه و وزیر با کفایت او قائم مقام اول تصمیم گرفتند که عده‌ای را برای تحصیل علوم جدید روانه انگلستان کنند. میرزا جعفر نیز از جانب ایشان برای تحصیل علوم مهندسی اعزام آن مملکت گردید. میرزا جعفر و چهارتن محصل دیگر ۱ در دهم جمادی الثانیه ۱۲۳۰ از تبریز حرکت کردند و در ۲۹ شوال همین سال قدم بخاک انگلیس گذاشتند.

میرزا سید جعفر قریب سه سال و نیم در انگلیس بتحصیل فنون هندسه و صنایع مربوط بنظام از قبیل قلعه سازی و توپخانه مشغول بود و پس از آنکه از جانب عباس میرزا حکم بمراجعت ایشان بایران شد در غره شوال ۱۲۳۴ به همراهی میرزا باباطیب افشار و میرزا محمد صالح شیرازی و میرزا محمد جعفر طبیب و میرزا رضا تویچی و استاد محمد علی صنعتگر انگلستان را ترك گفته در صفر یا ربیع الاول ۱۲۳۵ تبریز رسیدند و هر کدام از طرف نایب السلطنه بشفلی که تناسب با تحصیلات ایشان داشت منصوب شدند از جمله میرزا سید جعفر بعنوان مهندسی بتعلیم فنون ریاضی و افاده در این قسمتها

۱. برای اسامی همراهان او و مختصری از شرح این مسافرت رجوع کنید بجله یادگار سال

مشغول گردید و پس از چندی بر اثر حسن خدمت عباس میرزا اورا لقب مهندس باشی داد و یکی از قرای آذربایجان را بنام تیول ابدی باو وا گذاشت اینست قسمتی از فرمانی که در این خصوص میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی بفرمان نایب السلطنه صادر نموده (پس از مقدمه):

« عالیجاه قطانت و فراست انتباه سلالة السادات العظام میرزا جعفر مهندس که در بدایت جوانی حسب الأشارة بتحصيل علوم هندسی و ریاضی و تکمیل آداب نظام بمملکت انگلیس مأمور شد پس از مدتی که حصول علم مأمور به راجائز بحضور باهر النور فائز گشت اورا در علم و عمل بوجه انتم واکمل آموذیم فی الحقیقة در حساب و هندسه و فنون ریاضی و تعیین قلعه سنگر و ترتیب لشکر و معسکر کامل و ماهر بود و ذهن وقادش و فکر نقادش در حل اشکال هندسی بر مقررعات اقلیدس و مخترعات بطلیموس غالب و قاهر در ازای این حسن تعلم بر همگان تقدم یافته مهندسین سرکار اشرف را باشی و خدمات شایسته از اواناشی گشته مقرر داشتیم از این حسن تعلم مستوجب مزید احسان و

تکریم آید متوجهات قریه فلان رادزه السنه بموجب تفصیل بتیول ابدی و سیورغال سرمدی عنایت فرمودیم و السلام ».

تا سال ۱۲۵۲ که سال سوم سلطنت محمد شاه قاجار است میرزا سید جعفر مهندس باشی که کمی بعد بالقباب خان و مشیر الدوله ملقب گردید در دستگاه نایب السلطنه و پسرش محمد شاه مشغول خدمت بود. محمد شاه اورا در سال ۱۲۵۲ بعنوان سفارت مأمور دربار عثمانی کرد و مشیر الدوله تا اواخر سال ۱۲۵۹ همچنان این سمت را داشت و در این مدت با سفرای بلژیک و اسپانیا دو معاهده دولتی و



میرزا سید جعفر خان مشیر الدوله

تجارتی بین این ممالک و ایران بست یکی بتاريخ ۲۱ جمادی الاولی ۱۲۵۷ بین ایران و بلژیک دیگر در تاریخ بیستم محرم ۱۲۵۸ بین ایران و اسپانیا.

در اوخر سال ۱۲۵۹ بزائر قتل و غارتی که دو سال قبل در کربلا اتفاق افتاد و در نتیجه آن صدمات کلی بر عابای ایران رسیده و موجب اختلاف کلی بین ایران و عثمانی شده بود حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم مشیر الدوله را بایران خواست و او را مأمور کرد که بانمایندگان انگلیس و روس و عثمانی بارزته الروم عازم شود و در انجمنی که در آنجا برای حل اختلافات تشکیل میشود شرکت جوید. میرزا سید جعفر خان مشیر الدوله از طهران بعزم این مأموریت حرکت نمود لیکن در رسیدن تبریز در ۲۳ ذی الحجه ۱۲۵۹ سخت مریض شد و این ناخوشی که بطول انجامید مانع حرکت او بآن صوب گردید، ناچار میرزا تقی خان فراهانی وزیر نظام آذربایجان بجای او بارزته الروم مأمور شد و وزیر نظام چنانکه میدانیم تامدت چهار سال در آنجا مقیم بود تا پس از گفتگوها و زحمات بسیار بالاخره معاهده دوم ارزنة الروم را بتاريخ ۲۶ جمادی الثانیة ۱۲۶۲ با مضا رساند و بایران برگشت.

مشیر الدوله در رساله تحقیقات سرحدیه که تألیف خود اوست و مابعد از آن گفتگو خواهیم کرد در باب این مأموریت چنین مینویسد:

«وقتی که حاجی مرحوم بخطبهای خود منتقل شد دولتین انگلیس و روس که هر دو باطناً حامی دولت عثمانیه بودند بخیال آنکه خود را بعنوان توسط دخیل این کار و چاره اهونی برای این امر ناگوار بنمایند حاجی مرحوم را واداشتند که مجلس گفتگو برقرار و مطالب طرفین بواسطه وکلای ایشان در مجلس مزبور و حضور وکلای

۱ - غرض مرحوم مشیر الدوله از این فقره اینست که چون در سال ۱۲۵۳ هنگامیکه محمدشاه بمحاصره هرات اشتغال داشت علیرضا پاشا والی بغداد بر مجمره تاخت و ضرر جانی و مالی بسیار بر مردم آنجا رساند و دولت عثمانی ادعای ملکیت آنجا را داشت مشیر الدوله در سال ۱۲۵۵ بطهران آمد و ضعف دولت عثمانی را بحاجی میرزا آقاسی فهماند حاجی بجای تقاضای خسارت عادلانه که سفیر فوق العاده عثمانی نیز بقبول آن راضی بود بخیال تسخیر بغداد افتاد و چهار پنج کرور تقاضای خسارت کرد. سفیر عثمانی باین بلند پروازیهای حاجی امانتائی نکرد و آنچه را هم که پرداخت آن مأمور بود نداد و باستانبول بازگشت.

دولتین واسطتین گفتگو و اظهار شده بتراضی طرفین قراری داده صلاح ذات البین نمایند *

محل مجلس وکلای اربعه بلده ارزنة الروم و فدوی از طرف دولت علیه با اختیار تام مأمور آن مرز و بوم گردید، اتفاقاً در تبریز بشدت تمام ناخوش و چندماه بستری شد درین بدتر از حکایت محرمه مقدمه قتل و غارت کریلای معلی بدست حاجی نا نجیب نجیب پاشا والی بغداد بآن طرز که باحدی درین عصر پوشیده نیست اتفاق افتاد *

سواد کاغذیست که پس از افتادن بر بستر بیماری میرزا جعفر خان مشیرالدوله از تبریز بتاریخ ذی الحجة ١٦٥٩ به حاجی میرزا آقاسی نوشته :

« فدایت شوم کمترین نظر بتأکید و فرمایش جناب مولانا تعالی و استماع خبر مأموریت انوری افندی وکیل دولت عثمانی عزم جزم داشت که انشاءالله پنجشنبه بیست و چهارم شهر حال از دار السلطنة تبریز بارزنة الروم روانه شود، همه تدارک سفر را برای آن روز مهیا داشته دواب مکاری کرایه نموده بود از قضا روز چهارشنبه ناخوشی و انکسار مزاج عارض شده بستری گردید بقول اطبا ذات الجنب است، دوسه روز است که اطبای فرنگ مشغول معالجه هستند و بدین واسطه البته فرنگیها هم گزارش را بخدمت معروض خواهند داشت امیدوارم که انشاءالله دو سه روز دیگر رفع ناخوشی شده بدون ملاحظه نقاهت بمحض اطاعت امر عالی که مخلصین را بهترین مایه حیات است روانه مقصد شود، چون چایار روانه و عرض مراتب واجب بود لهذا بدین مختصر عرض جسارت گشت زیاده عرضی ندارم امیدوارم که در جنب رأی مولانا تعالی که حضور و غیاب را بیک اسلوب بینا و داناست صدق عرض فدوی معلوم گردیده محمول باهمال و کوتاهی نشود، ٢٦ ذیحجه در تبریز عرض شد امرالعالی مطاع، در پشت کاغذ مهر: عبده الرأجی جعفر حسینی.

از همین تاریخ که مشیرالدوله در تبریز مریض افتاد تا تاریخ شوال ١٢٦٤ که محمدشاه فوت کرد وی همواره در آذربایجان در دستگاه ولیعهد بود و چون در چهاردهم شوال همین سال میرزا تقیخان وزیر نظام در تبریز ناصرالدین شاه راه سخت سلطنت نشاند و برای پرداخت قروض و تهیه اسباب سفر او بطهران بمبلغی پول محتاج شد

این وجه را بدستیاری میرزا جعفرخان مشیرالدوله مهیا ساخت و در موقع حرکت بطهران ملك قاسم میرزا عم ناصرالدین شاه را بقرمانفرمائی آذربایجان منصوب نمود و مشیرالدوله بکارپردازی مهم خارجه منتسب و باقامت در تبریز مأمور گردید.

چون بموجب فقره سوم از معاهده دوم ارزنة الروم که بتوسط میرزا تقیخان امیر بسته شده بود قرار بود که برای تعیین خطوط سرحدی بین ایران و عثمانی مهندسین و مأمورینی از دو دولت روانه شوند در اواخر سلطنت محمد شاه برای این کار تصمیمی گرفته شد لیکن چون شاه مرد و آتش فتنه و انقلاب در تمام ایران بالا گرفت سرحد داران عثمانی که از عقد معاهده ارزنة الروم راضی نبودند باز بتجاوز بحدود ایران پرداختند و فتنه سالارهم که مقارن جلوس ناصرالدین شاه در خراسان روی کرد بکلی حواس دولت ایران را بآن حدود متوجه ساخت و مأمورین عثمانی بیش از پیش جری شدند.

میرزا تقیخان امیرکبیر که با وجود تمام گرفتاریها از توجه بهیچیک از دقایق امور ملکی غفلت نداشت بعجله میرزا جعفرخان مشیرالدوله را از تبریز بعنوان نماینده ایران مأمور کرد تا با درویش پاشا نماینده عثمانی و سرهنک و یلیامس ۱ نماینده انگلیس و سرهنک چریکف ۲ نماینده روس که عنوان وساطت داشتند در بغداد ملاقات کند و با تعیین خطوط سرحدی و نقشه برداری از آنها اختلافات بین دو دولت را بر طرف سازد، اینست سواد یکی از نامه‌هایی که امیر بملك قاسم میرزا فرمانفرمای آذربایجان در باب این مأموریت مشیرالدوله نوشته:

« فدایت شوم عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفر مشیرالدوله مأمور سرحدات است و باید زود برود مبلغ هزار تومان حواله شما بود که از تنخواه باو برسد نوآب والا کارسازی او فرموده اند این معنی باعث تعویق رفتن او شده است لهذا مبلغ يك هزار تومان را از باب تنخواهی که ابواب جمع عالیجاه میرزا علی پیشخدمت شده است نوشتم بعالیجاه مشارالیه کارسازی نماید که زیاده ازین عالیجاه مشارالیه در تبریز موقوف و معطل نشده عازم و روانه بغداد شود، نوآب والا هم در این باب کمال سعی و اهتمام را فرمایند که این تنخواه باو برسد، شهر ربیع الأول ۱۲۶۵»

مذاکرات میرزا جعفر خان مشیرالدوله با درویش پاشا و نمایندگان انگلیس و روس و عملیات مأمورین و مهندسین در برداشتن نقشه و تعیین خطوط سرحدی از مصب شط العرب تا پای کوه آرات تا اواسط سال ۱۲۷۱ بطول انجامید و بعلمت اصرار دولت عثمانی در خالی نکردن بلوک قطور کار تعیین خطوط سرحدی و حل اختلافات بین انئین بنتیجه صحیحی نینجامید و مشیرالدوله بایران برگشت و او شرح این دوره از مأموریت خود را در رساله بسیار مفیدی که خود نام آنرا «رساله تحقیقات سرحدیه» گذاشته است بتفصیل نگاشته .

از تاریخ مراجعت از این مأموریت تا اوایل سال ۱۲۷۵ میرزا جعفر خان مشیرالدوله شغل مهمی نداشت ، در این تاریخ اخیر چون ناصرالدین شاه میرزا آقاخان نوری را از صدارت معزول کرد و بتأسیس شش وزارتخانه و شورای وزرا تصمیم گرفت میرزا جعفر خان مشیرالدوله را بریاست این شوری تعیین نمود و دستخط ذیل را بنام او صادر کرد :

«چون مشیرالدوله را در صداقت و دولتخواهی بارها آزمایش فرموده ایم و کمال وثوق و اعتماد را بکفایت و کاردانی او داریم و او را خیر خواه و مخلص میدانیم علیهذا ریاست شورای دولت را که از امورات معظمه است بعهده کفایت او محوّل میفرمائیم که در آن امر روز بروز صداقت و دولتخواهی و غیرت خود را بعرضه ظهور رساند و بدان واسطه بالتفات و مرحمت ما در حق خود بیفزاید غره شهر صفر المظفر ۱۲۷۵»

مشیر الدوله همچنان در ریاست شورای دولتی برقرار بود تا در سال ۱۲۷۷ با حفظ همین سمت از طرف دولت ایران بعنوان سفارت فوق العاده مأمور لندن گردید و از راه استانبول و آتن و پاریس بآنجا رفت و بعد از یک سال در اوایل ۱۲۷۸ بطهران برگشت و شاه او را باعطای یک قطعه نشان امیر نویانی سرافراز نمود و در آخر این سال یعنی در ماه ذی الحجه او را با حفظ سمت ریاست شورای دولتی متولی باشی آستانه رضویه مشهد کرد و هم حوم مشیرالدوله بآنجا رفت و در همین مقام بود تا در جمادی الآخره سال ۱۲۷۹ در همانجا مرد و مدفون شد و بعد از فوت تولیت آستانه مجدداً نصیب



میرزا جعفرخان مشیرالدوله و هیأت نمایندگی ایران در سفارت فوق العاده لندن
(از کتاب دانشمندان آذربایجان)

حاجی علی اکبر قوام‌الملک شیرازی و لقب مشیرالدوله نیز در سال ۱۲۸۲ بحاجی میرزا حسینخان قزوینی وزیر مختار ایران در استانبول عطا کردید.

مرحوم میرزا سید جعفرخان مشیرالدوله یکی از رجال باهوش و کاردان و تحصیل کرده و با غیرت و وطن پرست ایرانی است که در زیر دست مردمانی مانند میرزا بزرگ قائم مقام اول و پسر او میرزا ابوالقاسم و میرزا محمدخان زنگنه امیر نظام بار آمده و از دوستان صمیمی مرحوم میرزا تقیخان امیرکبیر بوده و علاوه بر آنکه سرمایه وافر از علوم قدیمه و جدیده داشته و بشیار خوب و شیوا بفارسی تبحر بر میکرده شور وطن پرستی و دفاع از منافع ایران در جمیع مأموریتها امتیاز مخصوص او بوده است. و در این راه چند بار از سست عنصری و خیانت پاره‌ای از مأمورین دولت مثل میرزا محمدعلی خان شیرازی که در اواخر عهد امیر کبیر وزیر خارجه شد و میرزا محمدخان مصلحت گذار ایران در عثمانی و سیاست ندانی و بیخبری حاجی میرزا آقاسی مینالد غیر از رساله سرحدیه مرحوم مشیرالدوله مؤلف کتاب حسابی است بنام خلاصه الحساب بطرز جدید که در ۱۲۶۳ قمری در طهران بچاپ رسیده. برای آنکه مراتب یگانگی بین مرحوم امیرکبیر و مشیرالدوله مرحوم دستگیر خوانندگان گرامی شود سواد یکی از مراسلات امیر را باو که در مأموریت سرحدی بوده و بتاریخ ذی القعدة ۱۲۶۵ نوشته شده عیناً نقل میکنیم:

«مقرب الخاقانا مخدوم ما مهربانا نوشتجاتی که بمالجهای موسی جان نوشته بودید دیدم و از مضامینش مطلع اینکه در باب پاره جزئیات کله کرده بودید انجام و انجام آنها بسیار سهل و آسان است و خود شما البته مراتب دوستی و یک جبهتی مرا دانسته اید و میدانید که قلباً بشما محبت دارم و هیچ چیز از شما مضایقه ندارم زیرا که میدانم که چقدر بکار خدمت دولت می‌آئید و تا چه حد غیرت ملت و خاک خود را دارید و بچه طریق دلسوزی و غمخواری در خدمات دولتی مینمائید بحق خدا و بچیقه مبارک شاهنشاه روح العالمین فداء قسم است که اگر میدانستم کسی دیگر از عهده خدمت سرحدی برمی‌آید هرگز نمیخواستم از من دور باشید حالاهم بهمین امید هستم که انشاء الله بیمن اقبال و بخت بلند شاهنشاه جمیعاهم روحنا فداء بعد از انجام این خدمت سلامت و سعادت از این سفر معاودت نمائید و کومک حالی برای من باشید چه نویسم البته وجدان پاک خودتان دریافت این معانی را کرده است باقی والسلام».